

نقش زنان مسلمان در بحرانهای مسلحانه

نویسنده: حجت الله مرادی*

چکیده

هرچند که در طول تاریخ تعداد چشم گیری از زنان در واحدهای نظامی و نیروهای مقاومت خدمت کرده اند، اما بیشتر فرهنگ ها هنوز مردها را، رزمنده و مدافع می شناسند. امروزه ضرورت های جنگ و مقاومت این باور را کم رنگ کرده است.

زنان مسلمان در پاسخ به بحرانهای ملی در امور جنگ و مقاومت مسلحانه از طریق ایفای نقشهای حمایتی و حتی رزمی در حل بحرانها سهم بوده اند. در تمامی کشورها و جنبش هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، زنان مسلمان از مردان حمایت معنوی به عمل آورده اند و با افزایش آگاهی اجتماعی به حمایت مالی و انجام برخی وظایف که عموماً مختص مردان است، همت گمارده و بدین ترتیب جایگاه خود را ارتقا بخشیده اند. این مقاله به بررسی نقش زنان در بحرانهای مسلحانه در کشورهای اسلامی می پردازد و چارچوب رفتاری، تاریخی و مبانی حاکم بر این اندیشه را در کشورهای اسلامی مطالعه می کند و تمایز آن را تا حدودی از اندیشه کشورهای غیر مسلمان مشخص می کند.

واژگان کلیدی

جهان اسلام، منازعات مسلحانه، کشورهای خاورمیانه، مبارزات آزادی بخش.

* آقای حجت الله مرادی عضو هیأت علمی دانشکده و پژوهشکده علوم دفاعی و امنیت دانشگاه امام حسین (ع) است.

مقدمه

اندیشه اسلامی به انسان بودن زن و مرد در آفرینش از دیدگاهی واحد می‌نگرد و هر دو را به تحرک و سازندگی فرا می‌خواند. این اندیشه، مسئولیت انحراف از مسیر یا پایداری در عقیده را یکسان به دوش هر دو می‌گذارد و براساس اصل تکامل انسانی، نقش‌ها و مسئولیت‌ها را بین آن دو تقسیم می‌کند تا با تعامل ارزش‌ها بین زن و مرد، ویژگی‌های انسانی در سطح تکامل نقش‌ها و مسئولیت‌ها به یگانگی و انسجام برسد.

خداوند در قرآن به زن نیز همانند مرد خطاب می‌کند و در عقیده و مسئولیت او را همدوش مرد قرار می‌دهد و آنان را در ارزش‌های انسانی و روانی یکسان می‌شمارد. در اندیشه دینی - اسلامی، زن و مرد جایگاه یکسانی دارند. از همان ابتدا که خداوند در برابر تمامی ملائکه اعلام می‌کند: ((انی جاعل فی الارض خلیفه)) (بقره/ آیه ۳۰) رسالت حمل این امانت الهی بردوش انسان گذاشته شد و بی‌تردید مسئولیت این امانت همان‌گونه که بر عهده مرد است، از وظایف زن نیز به شمار می‌آید. بنابراین نقش زن در عرصه بحرانهای سیاسی و اجتماعی بسیار چشمگیر و تعیین کننده است، چه منظور ایفای نقش مستقیم، باشد (حضور فیزیکی زن در بحران) و چه غیرمستقیم (در مقام معلم و مربی خانواده). آثار تربیتی زن در مقام همسر و مادر بخوبی در نتایج و پیامدهای تربیتی او در خانواده بازتاب دارد. نقش سازنده و حضور مثبت زن می‌تواند در مسیر تعالی جامعه و ارتقای کمال افراد آن باشد، نظیر نقش حضرت فاطمه زهرا (س) در قضیه خلافت حضرت علی (ع) و یا نقش احیاگر و آگاهی‌بخش حضرت زینب (ع) در واقعه کربلا، همچنین نقش مادران و زنان گمنامی که فرزندان آنها منشاء

خیر و برکت برای جامعه شده‌اند. (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰)

زنان مسلمان در طول تاریخ پر فراز و نشیب کشورهای خود، رسالت‌های عظیمی را همگام با مردان بر دوش گرفته‌اند، بویژه در جنگها و منازعات مسلحانه مختلف سهم موثر و عمده‌ای برعهده داشته‌اند. در این مقاله نمونه‌هایی از فداکاریهای تعداد زیادی از آنها، از صدر اسلام تاکنون مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است.

نقش زنان صدر اسلام در جنگها

زنان صدر اسلام، در طول جنگها جلوه‌های آگاهانه‌ای از حساسیت نسبت به سرنوشت اسلام را از خود بروز داده و مسئولیتهای مهمی را در عملیات بر عهده گرفته‌اند. آنان به هنگام ضرورت حتی شمشیر برداشته و برای نجات جان رسول الله (ص) جان خود را فدا نموده‌اند. نسیبه، دختر کعب مشهور به ام عمار، یکی از زنان فداکار و شجاع بود که رشادتهای وی در غزوه احد نمایانگر شخصیت والای او می‌باشد. فداکاری نسیبه به اندازه‌ای ارزشمند بود که پیامبر اکرم (ص) به فرزند او (عمار) فرمود: امروز مقام مادر تو از مردان جنگی - نام دو تن از مردان دلیر را می‌برد - والاتر است. آنها از ترس جنگ و کشته شدن، پیامبر خدا (ص) را تنها گذاشتند و فرار کردند، ولی نسیبه با احساس خطر نسبت به جان پیامبر (ص)، فراتر از وظیفه عادی و همگام با سایر رزمندگان، از وجود گرمی پیامبر (ص) به دفاع پرداخت.

نسیبه شیرزنی بود که در سخت‌ترین شرایط و در زمانی که همه گرفتار ضعف می‌شدند، توان خود را به نمایش می‌گذاشت. وی هنگامی که مسلمانان در جنگ حنین پا به فرار گذاشتند، خاک بر می‌داشت و به صورت فراریان می‌پاشید و می‌گفت: ((فرار می‌کنید؟ آیا از خدا و رسولش می‌گریزید؟)). در جنگ احد،

وقتی شرایط حساس نبرد و فرار عده‌ای از مسلمانان و به خطر افتادن جان پیامبر (ص) را مشاهده کرد، شمشیر یکی از فراریان را گرفت و با مشرکان نبرد کرد و به حفاظت از پیامبر (ص) پرداخت و سرانجام سیزده زخم بر بدن او وارد شد، ولی با ایمان قوی و روحیه پر شور خود، همچنان به نبرد ادامه داد و به بهانه زخمی شدن، کوچک‌ترین سستی و ضعفی را به خود راه نداد. علاوه بر این همه فداکاری و جانبازی، وقتی جنگ یمامه رخ داد و مسلمانان از برابر کفار فرار کردند، نسیبه شمشیری برداشت و به سوی دشمن حمله برد تا آنکه پس از مدتی، در اثر ضربت دشمن یک دست وی قطع شد. (واحد تبلیغات سپاه، ۱۳۶۹ ص ۵۶)

شور و اشتیاق زنان برای حضور در جبهه، گاهی آنچنان شدید بود که از راه‌های بسیار دور خود را به محل درگیری می‌رساندند، از جمله آنان زنی است که در یکی از نبردها، پس از چندین بار مراجعت برای حضور در جبهه مأیوس شده بود. او با اقدام حماسی خود، علاقه وافرش را چنین بروز می‌دهد. ابوقدومه شامی می‌گوید: ((من برای دعوت به سوی نبرد، به یکی از شهرها مأموریت یافتم. پس از دعوت مردم به سوی جهاد و بیان فضیلت شهادت در راه خدا یکی از زنان، نامه‌ای را به همراه بسته‌ای به من داد و با چشمان گریان از من دور شد.)) در نامه نوشته بود: ((ای ابوقدومه! تو فضیلت جهاد را برای ما بیان کردی و من متأسفم که خداوند زنان را از فضیلت جهاد محروم فرموده است. ولی برای آنکه از فضایل شهادت شاید بهره‌ای نصیب من گردد، گیسوان خود را بریدم و برایت فرستادم، تقاضا دارم که آنها را در رکاب اسب خویش قرار دهی تا من نیز به سهم خود به مجاهدان در راه دین خدا خدمت کرده باشم.)) (واحد تبلیغات سپاه ص ۵۷)

حضرت زینب (س) از زنان بزرگ صدر اسلام است که در راه اعتلای دین جدهش رسول الله (ص) مصیبت‌های فراوانی تحمل کرد، اما هرگز رسالت اصلی

خود را، ابلاغ پیام عاشورا به مردم و یزید بود، فراموش نکرد و با شجاعت این پیام آور خون و شهادت، رسالت قیام امام حسین (ع) به اتمام رساند.

از دیگر زنان بزرگ صدر اسلام می توان از حضرت خدیجه (س) سلمی بنت سعید؛ حارثه؛ سمیرا بنت قیس؛ صفیه خواهر حضرت حمزه سیدالشهداء (ع)؛ ام البنین همسر حضرت علی (ع)؛ هند دختر عمرو بن حزام و ... نام برد، ولی حضرت فاطمه (س)، مانند پدر گرامی و همسر و فرزندانش، از منزلت بسیار والایی برخوردار بوده و آموزنده و اسوه تاریخ است. این بانوی بزرگ علاوه بر ویژگیهای فردی و منحصر به فرد در بعد اجتماعی و سیاسی نیز، در چارچوب وظایف و مسئولیتهای زن در اسلام با توجه به ارتباط همه ابعاد زندگیش با یکدیگر و رعایت حدود، احکام، تکالیف شرعی و توجه به ضرورتها و حفظ حریم اصالتها، نمونه و اسوه است. آن حضرت از همان ابتدا در بیشتر مظاهر و صحنه های اجتماعی و سیاسی شرکت داشت. در اینجا تنها به عنوان یادبودی از آن حضرت به ذکر عناوین تلاشهای ایشان پرداخته می شود.

۱- همراهی در تبلیغ رسالت و نشر اسلام

۲- شرکت در مباحثه در سال نهم هجری

۳- حضور در جبهه های نبرد

۴- یاری مستضعفان

۵- حرکت به دنبال امام و رهبر اسلام

۶- دعوت به یاری رهبر و دین خدا

۷- دفاع از دین و مکتب و رهبر

زنان غربی و نقش آنها در منازعات مسلحانه

در طول تاریخ، زنان بسیاری در واحدهای نظامی و نیروهای مقاومت خدمت کرده‌اند، اما بیشتر فرهنگ‌ها هنوز مردان را، رزمنده و مدافع می‌شناسند. برخی اوقات، این گفتمان مسلط اجتماعی به دلیل ضرورت‌های جنگ و مقاومت کم‌رنگ شده است؛ درچنین شرایطی زنان پا به پای مردان و دوشادوش آنها خدمت کرده‌اند. در غرب تا اواسط قرن بیستم آداب و رسوم اجتماعی و قوانین از الگوی رفتاری جنسی^۱ پیروی می‌کرد، لیکن جنگ (یا منازعه مسلحانه) و بی‌نظمی‌های اجتماعی و بحران‌های موجود در جامعه تا حدودی آداب و رسوم اجتماعی ناشی از روابط مبتنی بر جنسیت را تعدیل کرد. زنان غربی وظایف گوناگون مردان، از حوزه عمومی جامعه^۲ تا خطوط مقدم جبهه را برعهده گرفتند. در نخستین گام، زنان علاوه بر حمایت روانی، نیروهای رزمنده مرد را در حوزه‌های حمل و نقل، ارتباطات و امور اجرایی یاری کردند. برای مقابله با خرابی‌های ناشی از جنگ در آموزش و پرورش و خدمات رفاهی اجتماعی^۳، زنان مؤسسات خیریه سازمان یافته‌ای ایجاد و از کودکان یتیم و زنان بیوه حمایت کردند. به دلیل کمبود مراقبت‌های پزشکی، این زنان اغلب از زخمی‌ها پرستاری می‌کردند و حتی جراحی‌های اضطراری انجام می‌دادند. به علاوه، از آنجا که آداب و رسوم اجتماعی معمولاً اجازه نمی‌داد زنان بازرسی بدنی شوند، آنها در جمع‌آوری اطلاعات^۴ و قاچاق اقلام کوچک از مکان‌های ایست و بازرسی و حتی زندان‌ها نقش اساسی داشتند. گاهی اوقات، نیاز مسئولان نظامی به نیروی انسانی بیش از توان ظرفیت موجود بود، یا برای مأموریت‌های حساس به افراد

-
1. Model of gendered behaviour
 2. Public sphere
 2. Social Welfare
 4. Intelligence

متخصصی نیاز بود که در آن زمان در دسترس نبودند؛ در این هنگام، زنان سلاح‌ها را برداشته و دوشادوش مردان خود می‌جنگیدند.

در جنگ جهانی دوم، خرابی‌های زیادی در کشورهای اروپایی به وجود آمد و در عرصه اجتماعی یاد شده، زندگی زنان در بسیاری از جوامع صنعتی غرب دگرگون شد. آنها بتدریج و به تعداد فزاینده‌ای وارد حوزه عمومی جامعه شدند. امروز زنان جوامع غربی طبق قانون در همه ابعاد زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کاملاً با مردها برابرند، هرچند واقعیت‌های جوامع غربی، تصویر متفاوتی ارائه می‌دهد. میراث دو بیست ساله توسعه آگاهی اجتماعی در ترکیب با سهم کاملاً اساسی زنان در امور دفاعی طی دو جنگ جهانی اول و دوم در اروپا، کانادا و امریکا، روابط مبتنی بر جنسیت را در غرب تغییر داد.

تجربه زنان بعد از سال ۱۹۴۵ در خاورمیانه و جهان اسلام، کاملاً با زنان غربی فرق می‌کرد. پایان جنگ جهانی دوم برخلاف غرب، برای مسلمانان صلح و رفع محرومیت را در پی نداشت. مسلمانان در سراسر دنیا برای کسب استقلال از حکومت‌های استعمارگر، مداخلات بیگانگان و جاه‌طلبی‌های امپریالیستی می‌جنگیدند.^۱ بسیاری از دولت‌های ملی تازه تأسیس، پس از رسیدن به استقلال، برای خود قانون اساسی و مجموعه قوانینی را که ترکیبی از قوانین اجرایی کشور استعمارگر پیشین، قوانین اساسی کشورهای غربی و احکام اسلامی تهیه و تدوین کردند. قوانین اسلامی بر حوزه خانواده و قوانین کیفری تسلط داشت، قوانین جاری به تناسب فرهنگ اسلامی تغییر یافت تا با نیاز مسلمانان هماهنگ شود. مبارزه در راستای تثبیت صحیح و اسلامی روابط مبتنی بر جنسیت در فرهنگ‌ها

۱. بیشتر کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی تا دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ استقلال خود را به دست نیاورده بودند. اردن و سوریه در این مناطق استثناً در سال ۱۹۴۶ به استقلال رسیدند.

افزایش یافت، هرچند که در کشورهای مسلمان قانون از حقوق زنان دفاع می‌کرد، اما این حقوق چالشی پیچیده بود. ورود زنان به نیروهای مسلح به یقین در دستور کار بسیاری از طرفداران حق رأی زنان^۱ قرار نداشت. با این حال نمونه آشکار ورود زنان در نیروهای مسلح را می‌توان در فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل ارتش بیست میلیونی یافت. زنان مسلمان نقش‌های زیادی را در نیروهای نظامی و نیروهای مقاومت مسلحانه در جهان اسلام ایفا می‌کنند. برای تأیید این گفته باید به تحقیقات علمی در مورد زنان جهان اسلام نظری انداخت.

تحقیقات علمی در مورد زنان خاورمیانه و جهان اسلام

در طول تاریخ، زنان از فعالیت‌های مربوط به تمدن، از قبیل اکتشاف سرزمین‌ها و تسلط بر آنها، جنگیدن، جمع‌آوری ثروت، وضع قانون و اداره کشور و توسعه هنر، علم و فرهنگ پیشرفته، کنار گذاشته شده‌اند. انسانها به هنگام نگارش تاریخ، بر این جنبه‌های تمدن تأکید ورزیدند؛ در نتیجه در پایان قرن نوزدهم حوزه وسیع علم تاریخ‌نگاری غرب زیر شاخه‌های تاریخ، دیپلماتیک، نظامی، اقتصادی، قانونگذاری و سیاسی را در برمی‌گرفت. در نخستین مرحله، زنان از این ماجراهای مردانه مستثنی شدند؛ زنانی مانند ملکه صبا و ژاندارک^۲.

1. Suffragists

۲. زن قهرمان و فرمانده نظامی فرانسوی، متولد ۱۴۱۲ تا ۱۴۳۱ م، که نیروی مقاومت فرانسه را سازماندهی کرد و این نیرو توانست محاصره شهر اورلئ آنس که توسط انگلستان انجام شده بود را در سال ۱۴۲۹ م به پایان برساند.

کاترین کبیر و الیزابت اول که به اندازه هر حاکم مذکر دیگر در روی زمین زیرک، قدرتمند و ثروتمند بودند، سزاواری و لیاقت زیادی داشتند. وقتی که تاریخ‌دانان در صدد برآمدند زنان را وارد عرصه علم تاریخ کنند، از تاریخ سیاسی و نظامی صرف‌نظر کردند و توجه خود را به توسعه تاریخی جامعه و فرهنگ، حوزه‌هایی که همواره زنان در آنها نقش غالب داشتند، معطوف کردند.

لیلا احمد معتقد است مورخین جهان اسلام نیز تحت تأثیر تاریخ اجتماعی و فرهنگی غرب قرار گرفتند و به بررسی تاریخ زن در اسلام پرداختند. این مورخین با تعجب پی بردند که در طول تاریخ، بسیاری از زنان مسلمان دارای شغل بودند و در تجارت دریایی نقش داشتند، مقدمات عقد ازدواج خود را فراهم آورده و در دادگاه حاضر شده‌اند تا از منافع اقتصادی خود دفاع کنند. (۱۹۹۲، ص ۱۰) زمانی که بسیاری از زنان متأهل و اشرافی اروپا نمی‌توانستند بدون اجازه همسران خود به پزشک مراجعه کنند، زنان مسلمان از مردان برای ازدواج خواستگاری کرده‌اند و مال و دارایی خود را در راه این خواستگاری صرف کرده‌اند. (توک، ۱۹۹۸، ص ۲۰) حتی بسیاری از مورخین زن، از تاریخ سیاسی و اجتماعی که در آنها نخبگان مذکر مسلط بودند، صرف‌نظر کرده‌اند؛ این افراد صرفاً هنگام بررسی نقش زنان در جنگ، فقط موضوع پیامدهای جنگ بر اعضای حاشیه‌ای جامعه یعنی پیران، زنان و کودکان را تحلیل کرده‌اند. این فرض که، نبود تحقیقات علمی در زمینه حضور زنان در صحنه‌های نبرد به دلیل عدم حضور فیزیکی زنان در این صحنه بوده است، اشتباهی محض می‌باشد. ایران، عراق، سوریه، اندونزی و نیجریه از ملت‌هایی هستند که زنان آنها در واحدهای نظامی زنانه یا مختلط خدمت کرده‌اند. برخی نیروهای نظامی برای زنان در صحنه نبرد، پست‌هایی را تعیین می‌کنند، مثل گردان‌های الزهرا در ایران و یا آنها را در پست‌های امنیتی در

داخل کشور می‌گمارند (ایران و پاکستان). برخی نیروهای نظامی دیگر، برای زنان نقش‌های حمایتی مشخص می‌کنند (اندونزی و فلسطین). همچنین زنان مسلمان در جنبش‌های مقاومت ضد استعماری، عملیات آزادی‌بخش یا جنگ‌های آزادی طلبانه و نیروهای شورشی شرکت داشته‌اند. زنان الجزایری برای جمع‌آوری اطلاعات و فعالیت‌های خرابکاری علیه استعمار دولت فرانسه در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ فعالیت می‌کردند. در شمال افغانستان، زنان شیعه در جنگ علیه طالبان شرکت داشته‌اند. در آسیا زنان فلیپینی، در جبهه آزادی‌بخش مورو، شرکت کرده‌اند. اعضای این جبهه مسلمانان شورشی بودند که خواستار استقلال سیاسی از مانیل بودند. چگونه زنان در حوزه اختصاصی مردان، در نیروی نظامی، پذیرفته می‌شوند؟ تا چه حدی می‌توانیم نقش آنها را در نیروهای نظامی و گروه‌های مقاومت این کشورها درک کنیم؟ در این بخش ما می‌توانیم نگاهی به چارچوب فکری رایج در خصوص رفتار مبتنی بر جنسیت در زمان جنگ بیندازیم.

جهان اسلام سرزمین‌های وسیعی از آفریقا تا آسیا را در برمی‌گیرد و جوامع منحصر به فرد و پیچیده‌ای در آن وجود دارد. تنها با بررسی متون تاریخی در خصوص حضور زنان مسلمان در جنگ است که می‌توان به رفتار زمان جنگ آنها پی برد، رفتاری که برخلاف چارچوب فکری آن زمان بوده و در تضاد با ناسازگاری زنان محجب در نبرد است. به دلیل کمبود تحقیقات علمی در خصوص زنان مسلمان به مثابه رزمندگان جنگ، ما ناگزیر از بررسی ساختارهای غیررسمی قدرت، مانند جنبش‌های مقاومت و نیروهای ضد استعماری هستیم تا درباره زنان مبارز مسلمان اطلاعاتی را به دست آوریم.

زنان و نبرد در کشورهای مسلمان

زنان مسلمان همچون هم‌تایان خود در سایر کشورها، برای تأمین امنیت حکومت خود در گروه‌های مقاومت ضداستعماری شرکت کردند. یکی از زنان مبارز سرشناس افسانه‌ای الجزایر، جمیله بوپاشا است. جمیله با وجود این که در اواخر دهه ۱۹۵۰ توسط ارتش فرانسه بازداشت، زخمی و شکنجه شده بود، زنان و مردان زندانی زیادی را برای شرکت در فعالیت‌های مبارزاتی در طول جنگ الجزایر برای کسب استقلال فرا خواند. او می‌گوید: «هزاران زن و مرد در آن زندان محبوس بودند. ما دستگیر و در سلول‌ها زندانی شده بودیم و گاه‌گاهی ما را برای شکنجه از زندان بیرون می‌بردند. برخی از هم‌زمان ما زیر شکنجه جان باختند.» (آجی، ۱۹۷۱ ص ۵۰) جمیله در اشعار ملی‌گرایانه شاعر مشهور سوری/لبنانی به نام نزار قبانی^۱ به صورت الهه و قدیس درآمد.

«دوست من، تو می‌دانی که هزاران جمیله مثل من وجود داشتند. آنها، مثل من، از قصبه به سوی سربازخانه‌های فرانسوی حرکت می‌کردند، در حالی که در کیف‌های دستی خود بمب حمل و آنها را به سوی کافه‌ها پرتاب می‌کردند. واقعاً نمی‌دانم چرا من در مرکز این تبلیغات قرار گرفتم. زیرا هزاران زن دیگر نیز همراه من در آن زندان بودند که حتی تحت شکنجه‌های شدید گوناگون نیز به دوستان خود خیانت نمی‌کردند. از یک دست صدایی بر نمی‌آید

و این اصلی است که ما به آن معتقدیم. هدف ما انقلاب و استقلال بود، که به هر دو این اصلی است که ما به آن معتقدیم. هدف ما انقلاب و استقلال بود، که به هر دوی آنها دست یافتیم.» (آواد، ۱۹۷۱ ص ۵۰)

در ابتدا، جمیله در زمینه جمع‌آوری کمکها و پخش نشریات فعال بود. اما الجزایری‌ها به زودی دریافتند که زنان برای فعالیت‌های عملیاتی مخفی بسیار مناسبند. زنان الجزایری با لباس‌های اروپایی و کیف‌های مدل فرانسوی، به صورت گروهی وارد کافه‌هایی می‌شدند که محل تجمع و پاتوق سربازان فرانسوی بود، بمب‌ها را زیر میزها می‌گذاشتند یا آنها را جلوی در کافه‌ها پرت می‌کردند. آنها نیز همچون زنان آواره فلسطینی، اهداف و آرزوهای طبقاتی نداشتند بلکه اهداف آنها ملی‌گرایانه بود.

درباره زندگی زنان فلسطینی مطالب زیادی نوشته شده است، زانی که هم آواره‌اند و هم در راه آزادی مبارزه می‌کنند. از اوایل سال ۱۸۸۴، زنان مسیحی و مسلمان فلسطین علیه اشغال سرزمینشان توسط انگلستان و صهیونیست‌ها به مبارزه برخاستند. از دهه ۱۹۲۰ زنان شهری و تحصیل کرده فلسطینی، برای پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی و برای مقابله با استعمار انگلستان کمیته‌های منسجمی تشکیل دادند. (دجانی، ۱۹۸۰، ص ۱۱۵) در قیام سالهای ۳۹-۱۹۳۶، زنان غذا و مراقبت‌های پزشکی را برای مردان فراهم می‌آوردند. با اوج‌گیری و پیشرفت جنگ مسلحانه، زنان روستایی به فعالیت‌های سیاسی پرخطری نظیر قاچاق اسلحه، مخفی کردن مبارزان و دزدیدن اسلحه دست زدند. فاطمه غزال، نخستین زن فلسطینی است که در ۲۶ ژوئن ۱۹۳۶ در جنگ وادی اعظم کشته شد. (پت، ۱۹۹۱، ص ۵۲)

زنان فلسطینی در پاسخ به طرح سازمان ملل در خصوص تجزیه فلسطین اعتراض مسالمت آمیز داشتند و اعلامیه‌هایی را پخش کردند. همزمان با جنگ ۱۹۴۸، نقش زنان از شبه سیاسی به اجتماعی تبدیل شد. اینان وقتی با شمار روزافزون فلسطینی‌های رانده شده و آواره روبه‌رو شدند، سازمان‌های اجتماعی را

برای حمایت از یتیمان، معلولین، مجروحان و نیازمندان تشکیل دادند؛ این زنان مسیحی و مسلمان برنامه‌هایی را برای افزایش سواد، رسیدگی به سلامت و بهداشت و حفظ میراث فرهنگی فلسطین طرح‌ریزی کردند. اشغال کرانه غربی و نواره غزه توسط اسرائیل در سال ۱۹۶۷ کار زنان را چند برابر کرد. زنان وقتی با هزاران آواره، که اغلب بیوه‌ها، یتیمان و زخمی‌ها بودند، روبه‌رو شدند و با کاهش شدید و ناگهانی غذا، کالا و هراس خانواده‌های متلاشی شده، مواجه شدند، بار دیگر نقش‌های اجتماعی و رفاهی را ایفا کردند. (لوریابرد، ۱۹۸۸ص ۲۳)

در اواخر دهه ۱۹۶۰، تعدادی از زنان فلسطینی در اقدامات آزادی‌بخش حضور فعال داشتند. زنان فلسطینی همچون رشیده عبیده^۱ و لیلیا خالد^۲ آموزش‌های جنگی و نظامی دیدند. آنها از خانواده و دوستان خود دست کشیدند و آموزش‌های سخت کماندویی را در سوریه و لبنان تحمل کردند. آنها با ایدئولوژی انقلابی آشنا شدند و یاد گرفتند که چگونه مواد منفجره بسازند. در ۱۸ فوریه ۱۹۶۹، آمنه دبور^۳ و چند نفر کماندوی مرد به هوپیمای جت ای ال - آل^۴ اسرائیل در زوربخ حمله کردند. (لیلا خالد، ۱۹۷۳ص ۱۱۶). لیلیا خالد یکی از دو فلسطینی بود که در ۲۹ اوت ۱۹۶۹ هوپیمای تی دبیلو ای ۸۴۰ رم به مقصد آتن را ربود. بین سالهای ۱۹۷۰-۱۹۶۸، هوپیمایهای زیادی توسط سه زن فلسطینی ناشناس عضو سرکردگان انقلاب^۵ ربوده شدند. (خالد، ۵). در کرانه غربی، نوار غزه، لبنان و اردن، زنان در اردوگاه‌های آوارگان نقشی فراتر از تمایزهای شناخته شده، ایفا می‌کردند، همانند هرجای دیگری در هنگام بحران، نقش زنان فلسطینی نیز در

1. Rashida Odeida
2. Leila Khalid
3. Amina Dhahbowr

4. EL-AL
5. Captains of the Revolution

زندگی عمومی^۱ افزایش یافت و سطح آگاهی درباره نقش زنان در جامعه فلسطین پس از اشغال نیز بالا رفت. (رزمار سیاح، ۱۹۹۵ص ۱۹۴)

اشغال کرانه غربی و نوار غزه از سوی رژیم اشغالگر قدس ادامه یافت. در دسامبر ۱۹۸۷، انتفاضه فوران کرد و زنان فلسطینی، دوشادوش خویشاوندان و همسایگان خود، به سوی سربازان صهیونیستی سنگ و کوکتل مولوتوف پرتاب کردند.^۲ شرکت زنان فلسطینی در انتفاضه نشانگر چگونگی فعالیت‌های شبه سیاسی و یا پارلمانی زنانی است که در این مقاومت حضور داشته‌اند. داستان‌های نقل شده مبتنی برجنسیت در این دوره، نشان می‌دهد که وقتی زنان برای باز پس‌گیری سرزمین مادری خود وارد جنگ رودرو می‌شوند، شاخص‌های مرسوم اجتماعی درباره رفتار مبتنی برجنسیت، شکسته می‌شود. طبق یک ضرب‌المثل یک زن فلسطینی غیرمسلح در جنگ رودرو، بهتر از یک سرباز صهیونیستی عمل می‌کند.

یک زن فلسطینی طی تظاهراتی در جنین با یک سرباز اسرائیلی مشاجره کرد. زن با فریاد به آن سرباز گفت که اگر او سلاحش را کنار بگذارد، نشان می‌دهد کدام یک شجاع‌تر هستند. سرباز این مبارزه را پذیرفت و سلاحش را کنار گذاشت. زن به او حمله‌ور شد و در یک آن او را به زمین زد. بر روی سینه‌اش نشست و شروع به زدن او کرد، تا این که سربازان دیگر او را نجات دادند. (شریف، ۱۹۹۸ص ۱۲۲)

طبق یک روایت درباره استفاده از لباس سنتی، یک زن فلسطینی، مرد جوانی را از دست سربازان صهیونیست مخفی می‌کند:

1. Pubic life

۲. انتفاضه یک قیام مدنی است که معنای لغوی آن در عربی «دور انداختن» و رفع اشغال اسرائیل می‌باشد.

روزی مرد جوانی کوکتل مولوتوفی را به سوی سربازان اسرائیلی پرتاب کرده و به داخل بیمارستان شفا فرار کرد. سربازان او را دنبال کردند. او به سوی دفتر پذیرش دوید. او آنچنان ترسیده بود که گیج شده بود و نمی دانست کجا باید مخفی شود. آنجا زنی بود که اهل خان یونس (اردوگاهی در غزه) بود و لباس بلند سیاهی داشت. او مرد جوان را صدا کرد و او را زیر لباسش بین پاهای خود پنهان کرد و به او گفت: ((زیر لباسم بمان، تو هم مثل پسر من هستی.))

سربازان وارد اتاق شدند اما او را پیدا نکردند. (شریف، ص ۱۲۳)

در پایان قرن بیستم، زنان در حکومت ملی فلسطین^۱، در سرویس های امنیتی پیش گیری^۲، و پلیس شهری^۳ خدمت می کردند. در اینجا صحبت فقط از واحدهای نظامی نیست، بلکه سرویسهای امنیتی پیش گیری در شبه دولت رو به رشد فلسطینی، هم امنیت داخلی و هم امنیت دولت را تأمین می کنند. بسیاری از افسران زن سرویس های امنیتی پیش گیری بسته به نوع فعالیتشان در انتفاضه وارد می شوند. بیشتر این زنان، متأهل (برخی دارای فرزند) و بسیار جا افتاده تر از همتایان خود در پلیس شهری هستند و تاکنون چند تن از آنان به جرم فعالیت های آزادی بخش و انتفاضه^۴ به دست سربازان اسرائیلی زندانی شده اند. همان طور که در بسیاری از نیروهای نظامی امروزی رایج است، زنان فلسطینی نیز معمولاً در پست های اداری گماشته می شوند، هرچند که دست کم یک زن در تیم ضربت (تیم واکنش سریع متشکل از مبارزان آموزش دیده) شرکت داشته است.

(سارا میرز، ۲۰۰۰)

1. Palastinian National Authoritys (PNA)
2. Prevetive Security Services (PSS)

3. (Civil Police (CP))
4. in surrection

زنان فلسطینی از لحاظ سیاسی همچون جنبه نظامی در حوزه عمومی حضور دارند؛ آنها حق رأی دارند و در برخی سازمان‌های سیاسی و قانونگذاری خدمت می‌کنند. انتظار وزیر، وزیر امور اجتماعی در کابینه دولت موقت فلسطین بود. پس از پنجاه سال مبارزه، زنان فلسطینی بیش از پیش به مسائل مربوط به نقش و جایگاه خود در دولت جدید فلسطین می‌اندیشند. هرچند که با مطرح شدن مذاکرات صلح صحبتی از نقش زنان در جامعه به میان نمی‌آید. وقتی که مسائل ملی‌گرایانه بر مباحث عمومی چیره می‌شود، نگرانی درباره زنان فلسطین کنار گذاشته می‌شود.

در جنگ و مقاومت مسلحانه دیگری، زنان کویتی، همچون زنان الجزایری و فلسطینی، در برابر تجاوز عراق در طول جنگ خلیج فارس جنگیدند. در اوت ۱۹۹۰، در نخستین روزهای تهاجم، بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ زن در تجمع اعتراض‌آمیز در مسجد عدلیه، با سردادن شعارهای ضدعراقی خواستار عقب‌نشینی ارتش عراق از کویت شدند. (بدران، ۱۹۹۸، ۱۹۴) در تظاهرات‌های مسالمت‌آمیز بعدی، سربازان عراقی بی‌هیچ دلیلی به سوی زنان تیراندازی و چندین نفر را کشته و زخمی کردند. زنان کویتی در پاسخ فعال‌تر و جسورتر شدند و برای تضعیف روحیه نیروهای اشغالگر به چاپ و پخش اعلامیه‌هایی با مضمون شکست نیروهای عراقی اقدام کردند.

زنان کویتی با پوشش اسلامی نقاب و عبا، برای تظاهرات، جمع‌آوری اطلاعات و جابه‌جا کردن سلاح و مهمات به خیابان‌ها آمدند. آنها همانند زنان الجزایری و ایرانی که در جنگ‌های انقلابی خود چادر سر می‌کردند، از چادر و نقاب برای ناشناخته ماندن استفاده کردند. عبا بیانگر مفهوم مذهبی یا فرهنگی خاصی بود و اسلحه‌ای بود در دست زنان و ملت کویت برای دفاع از

کشورشان. (بدران، ۱۹۹۸ ص ۱۹۴) پوشش مردان نیز مفهوم استراتژیک به خود گرفت. آنها برای پنهان کردن هویت و ملیت خود از سربازان عراقی، لباس سستی خود، دشداشه، را کنار گذاشته و از شلوارها و پیراهن‌های غربی استفاده کردند، لباس‌هایی که اعراب مهاجر و کارگران هندی می‌پوشیدند. وقتی که ارتش عراق مردان کویتی را احضار کردند، بیشتر آنها را از کشور گریخته و یا در مخفی‌گاهها پنهان شدند، در حالی که زنانشان، مقاومت را سازماندهی و هدایت می‌کردند. در یک جابه‌جایی کامل مسئولیتی، زنان وارد حوزه عمومی شدند و حوزه خصوصی به مردان واگذار شد.

علاوه بر فعالیت‌های معمول پخش غذا، آموزش و بهداشت و رفاه اجتماعی، زنان کویتی در مقاومت مسلحانه نیز وارد شدند. زنان کویتی همانند زنان عضو جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر در واحدهای کوچک با هدف جابه‌جایی سلاح و مهمات و اطلاعات سازماندهی شدند. زنان کویتی همانند خواهران مسلمان فلسطینی و فیلیپینی بیشترین استفاده را از مزایای حمایتی پوشش اسلامی می‌بردند. در محل‌های ایست و بازرسی کمتر مورد بازرسی قرار می‌گرفتند و بندرت از آنها خواسته می‌شد که صورت‌هایشان را برای شناسایی باز کنند. با پیشرفت جنگ، زنان وظایف خطیرتری همچون جاسازی مواد منفجره و مخفی کردن سلاح زیر صندلی ماشین‌ها برعهده گرفتند (بدران، ص ۱۹۷). برخی زنان کویتی در مقاومت مسلحانه خود برای دفاع از کشورشان کشته شدند.

مارگت بدران^۱ درباره یک کارشناس کامپیوتر به نام اسرار قبانی که در وزارت امور خارجه کار می‌کرد این چنین می‌گوید:

اسرار با پوشیدن ساری، خود را به شکل هندی‌ها در می‌آورد و به دیسکتهای کامپیوتری اداره ثبت مرکزی در جابریه دست می‌یافت و اطلاعات و پیام‌ها را به دولت تبعیدی کویت و رسانه‌های بین‌المللی می‌رساند. این زن از طریق صحرا وارد عربستان شد، تا بتواند برای نیروهای مقاومت مسلحانه پول و مهمات قاچاق کند. او در اوایل نوامبر ۱۹۹۱، در حالی که مبلغ زیادی پول با خود حمل می‌کرد در یکی از نقاط ایست و بازرسی دستگیر شد. اسرار در مشاتیل زندانی شد. در واقع، آنجا مرکز آزمایش‌های کشاورزی بود که عراقی‌ها آن را به خانه فساد تبدیل کرده بودند. او بعدها کشته شد و جسد تکه پاره‌اش را مقابل منزلش انداختند. (پیشین، ۱۹۸)

در پایان جنگ، زنان کویتی خواسته‌های خود را، که از دهه ۱۹۶۰ مطرح می‌کردند، دوباره بازگو کردند. آنها خواستار حقوق سیاسی و اجتماعی کامل برای خود بودند. به زنان نیز همچون افراد طبقه بالای جامعه، تمام حقوق مشارکت‌های سیاسی اعطا شد، اما قوانین انتخاباتی بعدی فقط به برخی شهروندان مرد حق رأی داد. شهروندانی که به تابعیت کویت درآمده‌اند، فرزندان زنان کویتی که شوهرانشان غیرکویتی‌اند، همچنین صحرانشینان بدوی از حقوق مشارکت سیاسی محروم هستند. پس از آزادی کویت، زنان هنوز در انتظار انضمام و مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود با جامعه هستند. با اینکه حاکم کویت هم به جنبش زنان پاسخ مثبت داده، اما هنوز معلوم نیست که آیا این درخواست‌ها پذیرفته می‌شود یا خیر.

اوپیدی (۱۹۹۰) معتقد است اطلاعات آماری موجود در زمینه امور نظامی لیبی بسیار اندک است و این اطلاعات در خصوص زنان این کشور حتی کمتر نیز می‌باشد. اما، عقیده عموم بر این است که زنان لیبی بیش از زنان سایر

کشورهای عرب حق مشارکت در امور اجتماعی دارند (ص ۵). این عقیده تا حد زیادی بر دیدگاه‌های سرهنگ معمر قذافی، رهبر نظامی انقلاب لیبی، درباره زنان، در کتاب سبز وی دیده می‌شود. با وجود ترکیب عقاید و گرایش‌های نامتجانس، اصول بنیادین مغشوش، تئوری‌های اقتصادی نامأنوس و خیالی، کتاب سبز سرهنگ قذافی مفاهیم نسبتاً پیشرفته‌ای از آزادی فردی، حق زنان و اقدامات فردی در دموکراسی مشارکتی را مطرح می‌کند. شاید برجسته‌ترین بخش این کتاب در مورد زنان و حقوق آنان می‌باشد؛ قذافی با تأکید اندک بر فلسفه جبری بیولوژیکی، ادعا می‌کند که زن و مرد باید در برابر قانون از هر لحاظ موقعیت یکسانی داشته باشند، هرچند که ممکن است آنها نقش‌های متفاوتی در جامعه ایفا کنند. (قذافی، ۱۹۷۹، ۹۲)

سرهنگ قذافی برای نشان دادن تعهد خود نسبت به زنان و یا با هدف اقدام تبلیغاتی، گارد ریاست جمهوری و همچنین محافظان شخصی خود را از زنان انتخاب کرده بود. (ترجمت، ۱۹۹۳، ص ۱۹۳) در اول سپتامبر ۱۹۸۱، سرهنگ قذافی در سخنرانی سالگرد انقلاب، فارغ التحصیلی نخستین گروه از زنان لیبیایی از دانشکده نظامی دانشگاه ملی این کشور را تبریک گفت. اعضای این دانشگاه را تماماً زنان تشکیل می‌دادند. (ترجمت، ۲۳۲) قذافی طی سخنرانی تندی وضعیت زنان در جوامع عرب را محکوم کرد و آن را غیراسلامی خواند:

در جوامع عرب، ظلم و جور، فئودالیسم و بهره‌کشی زنان را احاطه کرده است. ما خواهان شروع یک تحول در اوضاع زنان ملت‌های عرب هستیم ... اوضاع جاری کنونی با ساختار جامعه اسلامی واقعی مطابقت ندارد..... مایل هستیم اعلام کنیم که دانشگاه‌ها مدارس نظامی لیبی به روی دختران عرب لیبیایی و دختران همه ملت‌های عرب و آفریقا باز است. (ترجمت، ص ۲۳۳)

از اوایل دهه ۱۹۸۰، دولت لیبی از تمامی شهروندان خود، چه مرد و چه زن، خواست که در صورت داشتن توانایی جسمانی، آموزش نظامی ببینند. درس علوم نظامی برای دانش آموزان بالاتر از ابتدایی اجباری است؛ آنها باید لباس نظامی دانش آموزی بپوشند و در تمرین‌های نظامی هفتگی شرکت کنند. در سطح دانشگاه‌ها، دانشجویان در اردوهای نظامی شرکت می‌کنند اما پوشیدن لباس نظامی برای آنها الزامی نیست و هر فرد لیبیایی باید پس از فارغ التحصیل شدن، دست کم یک سال در نیروی نظامی خدمت کند. زنانی که از دانشکده نظامی فارغ التحصیل می‌شوند، همانند سال ۱۹۹۸ به درجه ستوانی ارتقا می‌یابند. (ماریا مرفات، ۱۹۹۳ ص ۳)

شاید به دلیل ساختار قبیله‌ای کشور لیبی، جامعه این کشور درباره مسائل مبتنی بر نقش، سنت‌گرا می‌باشد و به جدایی و تبعیض بین زن و مرد تمایل دارد. تا اواسط دهه ۱۹۸۰، اسلام‌گرایی فراگیر شده بود و هرچند که دولت برنامه‌های جدید را برای مقابله با تأثیر روزافزون آنها به کار بسته بود، اما اسلام‌گراها و ارزشهای آنان بیش از پیش مورد توجه زنان جوان قرار گرفت. حجاب که پیش از انقلاب لیبی مختص زنان محسوب می‌شد، اکنون بسیار رایج و فراگیر شده است. قابل توجه است که از پانصد دانشجوی شرکت‌کننده در تحقیق سال ۱۹۹۴، ۴۳ درصد از مردان و هفتاد درصد از زنان موافق حضور زنان در نیروهای مسلح بودند. تقریباً هفتاد درصد از زنان و مردان معتقد بودند که زنان لیبی از حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی کافی برخوردارند.

همانند بسیاری از نیروهای مسلح خاورمیانه، در خصوص حضور زنان در نیروی نظامی سوریه نیز آمار واقعی در دسترس نیست؛ اما یک مقام عالی رتبه نظامی طی گفتگویی در جولای ۱۹۹۴ تأیید کرد که زنان به عنوان خلبانان جنگنده در

چند موقعیت محدود جنگی در ارتش سوریه خدمت کرده‌اند. (احمد، ۱۹۹۳، ۸۷) هرچند که برخی از زنان سوریه جزو سربازان این کشور محسوب نمی‌شدند، یا واجد شرایط این کار نبودند، اما در نیروی هوایی و گروه‌های پزشکی آموزش‌های لازم را برای حضور در صحنه‌های نبرد می‌دیدند.

خارج از جهان عرب، زنان مسلمان جمهوری اسلامی ایران و ترکیه مقامات نسبتاً بالایی در نیروهای نظامی دارند. ورود زنان ترکیه به سازمان رزم آن کشور به زمان حکومت آتاترک برمی‌گردد. او بدون در نظر گرفتن ارزش‌های اسلامی، زنان را براساس آموزه‌های سکولاریسم وارد نیروهای مسلح کرد. در سال ۱۹۳۷، یکی از زنان خلبان نیروی هوایی ترکیه به نام سبیه گوکچین، کردهای شورشی را بمباران کرد. امروزه زنان ترکیه می‌توانند پس از دیدن آموزش‌های نظامی، وارد نیروی نظامی این کشور شوند. البته خدمت سربازی که برای مردان ترک اجباری می‌باشد برای زنان الزامی نیست. زنان پس از قبول شدن در امتحانات کتبی جامع و عملی سخت، علوم نظامی مختلف را می‌آموزند و در مانورهای نمایشی شرکت می‌کنند. پیش از این، زنان ترک فقط در یگان‌های پشتیبانی نیروهای مسلح به کار گماشته می‌شدند، اما امروزه آنها در نیروی زمینی، پیاده نظام، توپخانه، زرهی، حمل و نقل و مهندسی ارتش خدمت می‌کنند. اطلاعات آماری سرانه مربوط به جنسیت در دسترس نیستند. (احمد، ۱۹۹۳، ۹۰)

نقش زنان در نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران^۱

تصویری که غربی‌ها از زنان ایران دارند، توده پرازدحام چادری است که از سرتا پایشان را پوشانده است. در نظر بیشتر مردم غرب این پوشش نماد اسلام است. اما پیش از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، خیابان‌های تهران پر از زنان بی‌حجاب بود. بلوارهای آکنده از کافه‌های پرنور و رستوران‌های مد روز همچون صورتکی چهره رژیم منفور و سرکوبگر شاه را پوشانده بود. در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، در برابر چشمان حیرت‌زده مردم جهان، حضرت امام خمینی (ره) انقلاب را هدایت، شاه را سرنگون و دولت اسلامی مستحکم مبتنی بر حاکمیت الهی را بنیان‌گذاری کرد. در این عرصه، زنان محور اصلی جنگ فرهنگی به شمار می‌آمدند. در این جنگ، زنان خود را در تقابل با ارزش‌های فاسد غربی مطرح کردند. اگر زنان غربی تنها از چند دهه پیش وارد عرصه‌های علم و ادب اجتماع شده‌اند، زنان ایرانی قرن‌هاست که در این عرصه حضور داشته‌اند. البته با توجه به سنت و مقتضیات اجتماعی، نقش غیرمستقیم زن ایرانی بسیار بیشتر و عمومی‌تر از حضور مستقیم او در جامعه بوده است.

تفاوت نقش زنان در قبل از انقلاب و پس از آن، در این نکته است که پیش از انقلاب نقش زنان پوشیده‌تر، غیرمستقیم و محدودتر و فقط از نظر کمی قابل ملاحظه بود؛ ولی پس از انقلاب حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی علاوه بر حضور کمی از نظر کیفی نیز بسیار رشد کرد. در واقع پس از انقلاب کیفیت و کمیت حضور زنان از نظر شرکت در مسائل و بحران‌های اجتماعی افزایش یافت.

۱. از آنجائیکه موضوع مقاله بررسی نقش زنان مسلمان در بحرانهای مسلحانه می‌باشد، در رابطه با جمهوری اسلامی نیز این بحث هم وزن سایر کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گرفته، حال آنکه بررسی نقش زنان در نیروهای نظامی ج.ا.ا. خود نیاز به تألیف مقاله‌ای جداگانه‌ای دارد.

زنان ایرانی در صحنه انقلاب حضور گسترده و مؤثری داشتند. آنان پیشاپیش مردان و در صف مقدم حرکت (حتی برخی همراه کودکان و نوزادانشان) با ابراز خشم و تفر از وضعیت نامساعد حاکم بر جامعه خویش، در تظاهرات شرکت می‌کردند و خطرات ناشی از این حضور، هرگز آنها را از صحنه خارج نکرد. حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید:

((سلام بر شما بانوان محترم، رحمت خداوند بر شما شیردلانی که به همت والای شما، اسلام از قید اسارت بیگانه بیرون آمد، شما بانوان شجاع، دوشادوش مردان پیروزی را برای اسلام بیمه کردید و شما با بچه‌های کوچک خودتان در خیابان‌ها آمدید و از اسلام پشتیبانی کردید)) (صحیفه نور، ۱۳۸۰، ۵)

حضور زنان، باعث تقویت روحیه مردان و تشویق و تحرک بیشتر آنها در تغییر سرنوشتشان بود. زنان ایرانی همواره با حضور خود در صحنه، تصمیم مردان را در تغییر و اصلاح، قطعی و حتمی ساخته‌اند. لذا هر جا که مشارکت کرده‌اند، حتماً ثمربخش بوده‌اند.

در جنگ تحمیلی نخستین و مهم‌ترین نقشی که زنان ما در جنگ، به عنوان یک بحران ملی، ایفا کردند؛ تشویق همسران و فرزندان‌شان برای رفتن به جبهه‌ها و فراهم کردن مقدمات حضور آنان در جنگ بود. زنان ایرانی در غیاب مردان، امور جامعه، اداره، خانواده و ... را با کفایت تمام اداره کردند. همچنین در پشت جبهه‌ها، امکانات و نیازهای جبهه را برآورده کردند، برخی از زنان هم مستقیم در جبهه حضور یافتند و اسلحه به دست گرفتند و دوشادوش مردان به مبارزه برخاستند. بسیاری از شهدای نخستین روزهای نبرد خرمشهر، زنانی بودند که در میدان نبرد و در حین جنگ، به شهادت رسیدند، همچنین یکی از تصاویر

ماندگار از حمله به (تصرف) سفارت (لانه جاسوسی) آمریکا در تهران (۱۹۷۹) صحنه‌ای بود که زنان مسلح و چادری گروگان‌ها را نشانه گرفته بودند. (جعفری، ۱۳۷۰)

علی‌رغم مشکلات حضور زنان در جنگ، زن و مرد با تدبیر امام خمینی (ره) هر دو وارد نیروی مقاومت بسیج شدند. این نیرو پیش از آغاز جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۹) تشکیل شد، تا نیروهای کمکی را در اختیار سپاه پاسداران قرار دهد. این نیرو از رزمندگان غیرنظامی تعلیم دیده تشکیل شده است، ساختار فرماندهی حاکم بر بسیج از استحکام برخوردار است و امروزه بسیاری از آنها در مسائل امنیت داخلی نقش ایفا می‌کنند. گاهی زنان کماندوی کاملاً تعلیم دیده، عملیات نمایشی جنگی اجرا می‌کنند (جشن میلاد ثارالله) و برخی فنون رزم تن به تن را که در آموزش نظامی فرا گرفته‌اند به نمایش می‌گذارند. (جعفری، ۱۳۸۰) هم اکنون تعداد زیادی از زنان مسلمان ایرانی در واحدهای پلیس جمهوری اسلامی شاغل و همانند مردان از درجات و آموزشهای نظامی برخوردار هستند. علاوه بر اینها، باید از تعداد زیاد زنان بسیجی که آموزشهای نظامی را گذرانده‌اند نام برد که در گردانهای الزهرا(س) سازماندهی شده‌اند.

وضعیت زنان در نیروهای نظامی سایر مناطق مسلمان نشین

خارج از منطقه خاورمیانه، زنان مسلمان در مبارزات مسلحانه متعددی شرکت دارند. در دسامبر ۱۹۹۷، زنان شورشی هزاره^۱ در شمال افغانستان، قدرت را از طالبان افراطی سنی گرفته و به شیعیان برگرداندند. طالبان درواکنش به آنها، در ۹ اوت ۱۹۹۸، مزار شریف را به اشغال درآورد. منطقه مزار شریف در دست

۱. قوم هزاره غالباً شیعه هستند و تعداد آنها نزدیک به ۸۷۰۰۰ نفر است. آن قوم ۱۹ درصد جمعیت ۲۳۷۳۸۰۰۰ نفری کل کشور افغانستان را تشکیل می‌دهد (۱۹۹۷). این تعداد کل جمعیت شامل ۱/۲ میلیون پناهنده افغان در پاکستان و ۱/۴ میلیون پناهنده در ایران نیز می‌باشد.

ائتلاف ازبک‌های ضد طالبان و شیعیان هزاره بود. طبق گزارش منابع سازمان عفو بین‌الملل و سازمان ملل در این درگیری بیش از ۲۰۰۰ تن قتل عام شدند. (احمد رشید، ۱۹۹۸) در پاکستان، زنان مسلمان در نیروی شبه نظامی گارد زنان در پست‌های اجرایی، پرستاری و روحانی خدمت می‌کنند. در حالی که نیروی پلیس پاکستان تماماً از مردان تشکیل شده بود، در سال ۱۹۴۴، نخست وزیر سابق این کشور، خانم بی‌نظیر بوتو، دستور تشکیل نخستین پایگاه پلیس این کشور را که همه اعضای آن زن بودند، صادر کرد. حدود پنجاه افسر پلیس زن پاسگاه راولپندی به نیروی پلیس موقت پنجاب (۸۵۰۰۰ پلیس مرد) اضافه شدند. بوتو در تبلیغات انتخاباتی خود قول داد که زنان ۱۰٪ از پست‌های رده بالای پلیس را در اختیار بگیرند، اما مشخص نیست که وی در دوران تصدی خود این کار را انجام داد یا خیر.

نیروی دریایی نیجریه^۱، بزرگ‌ترین نیروی دریایی در غرب افریقا، تقریباً ۵۰۰ افسر و ۴۵۰۰ سرباز زن و مرد را در خدمت دارد. اطلاعات آماری در خصوص توزیع جمعیتی مسلمانان و مسیحیان، زنان و مردان در نیروهای مسلح این کشور در دسترس نیست، اما برآورد می‌شود که ۷۰٪ از افسران ارشد از مناطق شمالی و مرکزی باشند، اغلب این مناطق مسلمان‌نشین هستند. تا سال ۱۹۸۴، عالی‌ترین مقامی که زنان داشتند در تیم پزشکی نیروهای مسلح بود: یک سرهنگ نیروی زمینی، فرمانده یک یگان هوایی و یک فرمانده نیروی دریایی؛ دو مورد نخست مسلمان هستند. در ۱۹۸۹، نیروی دریایی نیجریه خدمت زنان در این نیرو را به جز در پست پرستاری به حالت تعلیق درآورد و اعلام کرد تا تأمین شرایط کافی و مناسب از قبیل: محیط مناسب، آموزش ضروری و اختیارات لازم برای زنان

۱. مصاحبه با کاپیتان ادی (Odey) وابسته نظامی نیجریه در آمریکا در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۸ (واشنگتن).

متأهل و باردار، وضعیت به همین صورت خواهد بود. اکنون معلوم نیست که آیا این تعلیق برطرف شده یا خیر.

زنان مسلمان در نیروهای مسلح اندونزی خدمت می‌کنند. ۸۷/۲ درصد از کل جمعیت اندونزی مسلمان هستند. در این کشور نیروی زمینی، دریایی و هوایی و پلیس تحت عنوان نیروهای مسلح جمهوری اندونزی شناخته می‌شوند؛ در هر نیرو واحد ویژه زنان وجود دارد. طبق اظهارات سرتیپ ژنرال ددی سوزانتو^۱ به واحدهایی که اعضای آن را تماماً زنان تشکیل می‌دهند، نقش جنگی واگذار نمی‌شود (۱۹۹۸)، اما آنان در پست‌ها و نقش‌های مناسب با خصوصیات زنانه به کار گماشته می‌شوند. این پست‌ها شامل کارهای اجرایی، پرستاری، بهداشت و تغذیه است. پلیس زنان نقش مهمی را در حل مشکل اعتیاد و بزهکاری نوجوانان ایفا می‌کنند. (فردریک، ۱۹۹۳)

شاید مشهورترین نقش زنان مسلمان در جبهه آزادی‌بخش خلق مورو^۲ باشد. این جبهه بزرگترین جنبش جدایی طلب مسلمان در فیلیپین است. (وی‌ون، ۱۹۹۶، ۲۱۰) که در واکنش به بیش از چهارصد سال سیاست‌های مداخله جویانه کشورهای استعمارگر اسپانیا، امریکا و فیلیپین در امور اقلیت مسلمانان بومی شکل گرفته است.^۳ جبهه مورو در صدد است کشوری مستقل در مینداناو، جزایر جنوبی، تشکیل دهد. در طول بیش از سه دهه این نیروهای انقلابی با ارتش فیلیپین درگیری‌های نامنظم داشتند. در اوایل دهه ۱۹۷۰، ستیز آنها به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده بود. با پذیرش قرارداد سه جانبه ۱۹۷۶، آتش‌بس کوتاه مدتی

1. Dadi Susanto

2. Moro National Libetration Front

۳. مسلمانان بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی فیلیپین هستند.

برقرار و خودمختاری آنها در حاکمیت فیلیپین فراهم شد، اما جبهه مورو^۱ و دولت فیلیپین تا بیست سال پس از آن نیز به صلح پایدار دست نیافتند. (آنکلز، ۱۹۹۶، ۱۳۲)

زنان مورو همانند سایر زنان از طریق نام‌نویسی سربازان و افزایش سطح آگاهی مردم در مناطق دورافتاده مسلمان نشین، از این جنبش حمایت می‌کردند. با اعلام حکومت نظامی^۲ توسط رییس جمهور وقت فیلیپین، فردیناند مارکوس، در سپتامبر ۱۹۷۲، حضور زنان افزایش چشم‌گیری یافت. چندین تن از زنان مورو توسط نظامیان دستگیر، بازداشت و بازجویی شدند و برخی از آنها از ترس دستگیری و شکنجه به مناطق تحت تسلط چریک‌ها گریختند. همانگونه که کویتی‌ها و فلسطینی‌ها از لباس سنتی و اسلامی در راستای اهداف خود بهره گرفتند، زنان مورو نیز با استفاده از لباس‌های سنتی خود اسلحه و مهمات را از نقاط ایست و بازرسی عبور می‌دادند. جبهه مورو در نظر نداشت زنان را به صحنه درگیری اعزام کند، با این حال تعدادی از چریک‌های زن در مواقع ضروری می‌جنگیدند. در سال ۱۹۷۵، فاروزا^۳ به دست نیروهای دولتی در جولو^۴ کشته شد؛ همسر یکی از فرماندهان جبهه مورو پس از کشته شدن همسرش در نبرد در باسیلان^۵ ۱۵۰ مرد را در یک جنگ مسلحانه رهبری کرد. (آنکلز، ۱۹۸۵، ۲۲۴)

۱. جبهه آزادی‌بخش اسلامی مورو شاخه نظامی جدا شده از جبهه آزادی‌بخش خلق مورو می‌باشد که توافقنامه صلح ۱۹۹۶ را نپذیرفت و تا جولای ۱۹۹۷ به مبارزه خود در جنوب ادامه داد تا این‌که آتش‌بس برقرار شد. به جز چند مورد، این آتش‌بس نقض نشده و پابرجا مانده اما انتظار نمی‌رود که به این زودی‌ها بین دولت و جبهه آزادی‌بخش اسلامی مورو صلح برقرار شود.

2. Martial Law
3. Farouza

4. Jolo
5. Basilan

زمانی که اردوگاه‌ها یا روستاها مورد حمله قرار می‌گرفتند، از زنان سوء استفاده می‌شد. با تشدید خشونت، جبهه مورو دریافت که زنان نیز باید آموزش رسمی ببینند تا از خود دفاع کنند. نیروهای کمکی زنان^۱ سازمان‌دهی شدند و در ۱۹۷۲، آموزش نظامی زنان در جولو شروع شد.

آنها علاوه بر دفاع شخصی، آموزش سلاح‌های کوچک، مواد منفجره دست‌ساز و انتقال مهمات به رزمندگان میدان نبرد را فرا می‌گرفتند. اغلب، تقسیم کار^۲ در اردوگاه‌ها و روستاها به موازات خطوط تمایز صورت می‌گیرد. همانند زنان جنبش آزادی‌بخش فلسطین^۳ پیش از سال ۱۹۷۰، زنان مورو نیز از مردان مبارز خود حمایت معنوی به عمل می‌آوردند و از زخمی‌ها پرستاری می‌کردند. تداوم جنگ باعث از هم گسیختگی سیستم تحصیلی شد، بنابراین زنان مسلمان مورو مدارس را تشکیل داده و به کودکان در حد خواندن و نوشتن می‌آموختند. آنها با فروش محصولات صنایع دستی خود، جمع‌آوری اعانه و دریافت وام، جبهه آزادی‌بخش مورو را حمایت مالی می‌کردند.

حضور گسترده زنان فیلیپینی در فعالیتهای مقاومت، باعث شد که آگاهی اجتماعی در خصوص وضعیت عادی آنها افزایش یابد. تا دهه ۱۹۸۰، زنان مسلمان مورو در ساختار سازمانی جبهه آزادی‌بخش مورو مسئولیت‌هایی را برعهده داشتند. آنان در سطوح شهری، استانی و ملی در امور مالی کمیته‌های متعدد، امور خارجی و اقتصادی، حمل و نقل و ارتباطات، سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی، رفاه اجتماعی و زنان، ایفای نقش می‌کردند. با وجود اینکه زنان در تمامی سطوح امور کمیته، مشغول بودند، ما در ابتدا تنها یک زن در مقام رییس

1. Women's Auxiliary Forces

2. Division of Labour

3. Palestinian Liberation Organization

کمیته ملی فعالیت می‌کرد و آن هم کمیته زنان بود. در سال ۱۹۹۴، رییس نور میسوری^۱ مسئول کمیته‌های رفاه، سلامتی و بهداشت را از میان زنان انتخاب کرد. همچنین زنان با حضور در مذاکرات صلح سالهای ۱۹۸۶، ۱۹۹۶، از طریق اشتغال به منشی‌گری و جمع‌آوری اطلاعات از مردان حمایت می‌کردند.

پس از امضای قرارداد صلح این سؤال مطرح است که زنان چگونه می‌توانند در حوزه‌های غیرسستی قدرت^۲ وارد شوند. میسوری در مصاحبه ۱۹۹۶، تلاش اساسی زنان در راه اثبات توانایی‌های خودشان را تحسین کرد. هم‌زمان با آن، رهبر جبهه آزادی‌بخش نیز بر نقش مکمل زن و مرد در اسلام تأکید کرد. زنان معمولاً امور مربوط به منزل را در کنترل دارند و مردان عهده‌دار امور خارج از منزل هستند.

نتیجه‌گیری

در جوامع اسلامی، رفتار زنان در طول دوران جنگ و مقاومت از الگوی یاد شده کمتر پیروی می‌کند. زنان مسلمان در پاسخ به بحران‌های ملی در امور جنگ و مقاومت مسلحانه از طریق ایفای نقش‌های حمایتی و حتی رزمی سهم می‌شوند. در تمامی کشورها و جنبش‌های یاد شده، زنان مسلمان از مردان حمایت معنوی به عمل می‌آوردند و با افزایش آگاهی اجتماعی، حمایت مالی و برعهده گرفتن وظایفی که عموماً مختص مردان است، جایگاه خود را بهبود می‌بخشیدند. برای نمونه در ۹۱-۱۹۹۰، در جنگ دوم خلیج فارس زنان کویتی، هنگامی که مردانشان فرار کرده و یا مخفی شده بودند، جنبش مقاومت را پیش بردند. زمانی که آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی در اثر جنگ به حالت تعلیق درآمد، زنان فلسطینی (همانند زنان مسلمان سایر کشورها) جای مردان را پرکرده و

1. Nur Misuari

2. Non - Traditional Sphere of Power

ترتیبات بهداشتی و سلامتی اتخاذ کردند، به بچه‌ها درس داده و بین مردم غذا تقسیم می‌کردند. به هنگام ضرورت، زنان در سراسر جهان اسلام سلاح بردوش گرفته‌اند و از خانواده، خانه و کشورشان دفاع کرده و در این راه جان باخته‌اند.

در جهان اسلام زنان افزون بر عهده‌دار شدن وظایف مردان در زمان جنگ در پشت جبهه نیز توانایی خود را نشان داده‌اند. زنان توانستند از ویژگی و توانشان به نفع اهدافشان بهره‌برداری کنند. زنان الجزایری، کویتی، فلسطینی، فلیپینی اهداف پنهان خود را به پیش ببرند. زنان الجزایری در جنگ استقلال، با سربازان فرانسوی مبارزه می‌کردند و زنان مسلمان ایرانی با شرکت در تظاهرات ضد رژیم شاه و مبارزه مسلحانه و همچنین دفاع از سرزمین مادری خود در مقابل تجاوز رژیم بعثی عراق، لیاقت و شایستگی خود را به اثبات رساندند.

نقش زنان مسلمان در طول قرن بیستم - و در حقیقت در طول تاریخ - در دفاع از خانه و کشورشان کمتر از نقش زنان غرب نبوده است. وقتی که زنان مسلمان در صدد واکنش به بحران‌های ملی برمی‌آیند، حوزه‌های عمومی و خصوصی در نتیجه جابه‌جایی قابل توجه نقش زنان و مردان تعریف مجدد می‌شود. زنان مسلمان با ایفای نقش‌هایی فراتر از همسر، مادر، پرستار، کشاورز، صنعتگر، آموزگار، عامل اطلاعاتی و رزمنده، طبقه‌بندی‌های ظاهری و تعبیرات سطحی اجتماعی را به چالش می‌طلبند.

منابع فارسی

۱. جعفری کاردگر سعدی (۱۳۷۰). اثرات جنگ‌های مسلحانه بر روی زنان، تهران: معاونت تبلیغات و انتشارات نیروی مقاومت.
۲. مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰). زن و مشارکت سیاسی - اجتماعی، تهران: انتشارات برگ زیتون.
۳. واحد تبلیغات و انتشارات (۱۳۶۹). زن در آئینه دفاع مقدس؛ تهران: انتشارات واحد تبلیغات ستاد مشترک سپاه.
۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۳). سیمای زن در کلام حضرت امام خمینی (ره)، تهران؛ سازمان چاپ و انتشار، چاپ چهارم.

Refrence English

- 1- Leila Ahmad (19992). *Women and Gender in Islam* (New Haven, CT, 1992); Deniz Kandiyoti, ed., *women, Islam and the state*. (Philadelphia, 1991); Nikki R. Keddie and Beth Baron, *women in Middle Eastern History: Shifting Boundaries in Sex and Gender* (New Haven, CT, 1991) and Judith Tucher, *Arab women: old Boundaries, New Frontiers* (Bloomington, IN, 1993).
- 2- Judith Tucher (1998), *In the House of the Law: Gender and Islamic Law in ottoman Syria and Palestine* (Berkeley, CA).
- 3- Khawlah Qal'aji, 'Interview with Jamilah Buhrayd', *Al-Hawadith*, 22 January 1971.
- 4- Walid 'Awad' (1971), 'Interview with Jamilah Buhrayd', *Al-Hawadith*, 15 January.
- 5- Sound Dajani, 'palestinian women under Israeli occupation: implications for development', In Tucker, ed. *Arab women*, .
- 6- Julie Peteet (1997), *Gender in Crisis: women and the Palestinians Resistance Movement* (New York).
- 7- Laurie Brand (1988), 'palestinians in Syria: the politics of integration', *Middle East Journal* 42, 4.
- 8- Leila Khalid (1973), *My people shall Live: The Autobiography of a Revolutionary*, ed. George Hajjar (London).
- 9- Rosemary Sayigh, 'palestinian women and politics in Lebanon'. In Tucker, ed. *Arab women*. And Brand, 'palestinians in Syria'. See also Dajani, 'palestinian women under Israeli Occupation'.

- 10- Sharif kanaana (1998). *Women in legends of the Intifada* , in *suha sabbagh* .ed. Palestinian women of Gaza and the west Bank (Bloomington In).
- 11- Sarah Meyers(2000) , '*Police , State and Society: the Palestinian Police and Security Forces and the maintenance of Public order* '(P h.D. thesis , university of Durham).
- 12- Margot Badran (1998) , '*Gender , Islam and the state: Kuwaiti women in Struggle , Prenvasion to postliberation*' , in Yvonne Yazbeck Haddad and John Esposito , eds , *Islam , Gender and Social change* (New York) .
- 13- Amal S.M.obeidi , '*Changing attitudes to the role of women in Libyan Society*' , unpublished papper.
- 14- Muammar al – Qadhafi(1979) , *The Green Book* , Vol.3 Tripoli.
- 15- George tremlett, Qadhafi(1993): *The Desert Mystic*, New York.
- 16- Maria Graef –Wassink (1993), *Women at Arms: Is Qadhafi a feminist?* Edinburgh, ch.3
- 17- Feroz Ahmad (1993), *The Making of Modern Turkey* (London).
- 18- Ahmen Radhid (1998), '*All Things Considered*', *Natonal Public Radio broadcast*, '*Islamic Face-off*', *far Eastern Economic Rewiew*, 17 September 1998.
- 19- Dadi susanto 'Statistics (1998): Indonesia', Britannica online <http://www.eb.com>.
- 20- William H(1993): *Frederick and Robert L. Worden, eds, Indonesia, A Country Study*, 5' end Washington.
- 21- Vivienne S.M.Angeles(1996), '*women and revolution: Philippine Muslim women's Participation in the Maro National Liberation Front*', *Muslim World* 86.
- 22- Angeles (1988) '*Philippine Muslim women*'. Also see Cesar Majul, *Comtemporary Muslim movements in the Philippines*: Berkeley.